

اقلیم کردستان و ج.ا.ایران؛ میان تنازع هژمونی و سلطه

فاتح مرادی^۱

چکیده

روابط واحدهای سیاسی بر دامنه‌ای از محور هژمونی- سلطه قرار دارد. در مقایسه با سلطه، هژمونی با احتمال بیشتری بر اعتماد نسبی طرفین و قدرت نرم استوار است، لذا از سلطه متفاوت است. تجربه نشان داده است واحدهای سیاسی و کشورهایی که روابطشان را براساس معیارهای هژمونیک مبنی بر رضایت نسبی طرفین بنیان نهاده‌اند، موفق‌تر عمل کرده‌اند و هزینه‌های چندبعدی و جبران‌ناپذیر در روابط سیاسی‌شان را با نسبت قابل توجهی کاهش داده‌اند. به نظر می‌رسد، در این میان با بررسی معیارهای گوناگون و سیر تاریخی روابط ج.ا.ایران با اقلیم کردستان همواره بر بعدی غیرهژمونیک و متمایل به سلطه استوار بوده است. گستره سیاست، بویژه تحولات منطقه‌ای در دو دهه اخیر تغییرات زیادی داشته است. درک نامناسب این تغییرات شرایط را بحرانی‌تر و ناکارآمد خواهد کرد. تحولات اقلیم کردستان قبل از هر چیز زائیده واقعیت‌های منطقه و ماهیت چندبعدی آن است. در حالیکه، برخورد با این واقعیت در روابط ایران همواره با فراز و نشیب‌هایی همراه بوده است و در مجموع بر دامنه غیرهژمونیک روابط این دو بیشتر دامن زده است. بررسی چگونگی سیر تاریخی این وضعیت و چشم‌انداز احتمالی از این روابط در متن حاضر به بررسی گذاشته شده است با این هدف که به زوایای مختلف آن پرتو بیشتری بیافکند. بنابراین پژوهش حاضر در پی روشن کردن ماهیت هژمونی- سلطه روابط موجود از زوایای مختلف است.

واژگان کلیدی: اقلیم کردستان، ج.ا.ایران، هژمونی، سلطه

^۱ دانشجوی دکتری علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبائی fateh.moradi@yahoo.com

مقدمه

روابط میان واحدهای سیاسی از آن‌رو چشم‌انداز مناسب‌تری به دست می‌دهد که جوانب مختلف از واحدهای خرد و کلان در رابطه با آن به بررسی گذاشته شود. در حفظ امنیت و تداوم مناسبات روابط مثبت و ثمربخش گریز و انکار نسبت به واقعیت‌های موجود نه تنها در پژوهش‌های آکادمیک شایسته نیست، بلکه موجب سردرگمی‌های بیشتری می‌شود. باتوجه به شرایط کشور ایران و روابط دیرینه‌اش با کردستان عراق انجام پژوهش‌های مناسب‌تر در این راستا ضرورت بیشتری می‌یابد. کشورهای موفق معمولاً در واکنش به تحولات سیاسی با پیش‌بینی و شناخت دقیق‌تر و سیاست‌های منعطف، پتانسیل خود را مبتنی بر افزایش روابط همزیستی و اعتمادزا افزایش می‌دهند و به آرامش خود و منطقه کمک می‌کنند. این امر معمولاً از زاویه هژمونی و درک درست واقعیت‌ها ممکن است تا با معیارهای سلطه‌جویانه. کردستان عراق نیز در منطقه دارای پیچیدگی‌های خاص بشمار می‌رود و به مثابه یک واحد سیاسی پیشینه تاریخی پرفرازونشیب داشته است. در رابطه با کردستان عراق دامنه پژوهش‌ها به دلایل مختلف اندک و اغلب تقلیل یافته‌اند. در واقع تمام پژوهش‌هایی که در بیست‌وپنج سال گذشته درباره یهود انجام شده است از کل تحقیقات مربوط به کردستان بیشتر است (اولسن (ب)، ۱۳۸۰: ۹). این فرایند، ممکناتی را به همراه خواهد داشت تا پتانسیل‌های آسیب‌زا برای همه گروه‌های درگیر همواره مرتفع باشد. بر همین اساس واحدهای سیاسی در انتخاب راهبرد و برای حفظ توازن‌شان ممکن است در رابطه‌شان درگیر مسائل سیاسی موقت، ناکارآمد، غیرضرور و بازتولید تراژدی‌های بیشتر شوند. کردستان عراق با تکیه بر موقعیت ژئوپلیتیکی و شرایط تاریخی‌اش از ابعاد مختلف بین‌المللی به صورت منفی یا مثبت همواره برای کردها پیامدهایی به‌همراه داشته است. این امر از طرف همه گروه‌های درگیر موجبات وضعیتی است تا در آینده پتانسیل گسل‌های سیاسی ناکارآمد بیش از گذشته میان آنها تقویت شود. سرعت و جهش متفاوتی از جوانب مختلف که در یک تا دو دهه اخیر در کردستان عراق به چشم می‌خورد توأمأ ناشی از تحولات جهانی، منطقه‌ای و داخلی است. در این میان می‌توان با در نظر گرفتن جوانب مختلف، ایران را نزدیک‌ترین کشور به اقلیم کردستان عراق دانست. به عبارتی تأثیرگذاری تحولات مناطق کردنشین خاورمیانه یا مسئله کرد بر سیاست خارجی و امنیتی ایران سابقه طولانی دارد (حق-پناه، ۱۳۸۷: ۱۴). در این منطقه جدا از ایران قدرت‌های جهانی به صورت کمابیش و قدرت‌های منطقه‌ای از جمله اسرائیل تقریباً بنا به نسبت شرایط و زمان بازی کرده‌اند. اما آنچه همچون یک شکاف برای ایران و همچون یک گستره فرصت برای بعضی از کشورها اهمیت دارد این است که بقیه توان هژمونیک خود را گسترش داده‌اند، اما ج.ا. ایران از این قاعده تا حدی مستثنی به نظر می‌رسد و در میان افکار عمومی کرد توان هژمونیک نیافته است، که این روند بعد از فراندوم استقلال کردستان عراق به صورت جدی‌تری محرز بود.

بر این اساس، فرض کلی پژوهش حاضر حول محور این بحث خواهد گذشت که تاکنون ایران نتوانسته است توان هژمونیک خود را در منطقه و بویژه کردستان عراق گسترش دهد، این زمینه‌های جدی را برای سلطه که توأم با خطرات جدی برای هردو طرف و منطقه است فراهم می‌کند. لذا در متن حاضر نیز تلاش بر این خواهد بود که چشم‌اندازی کلی از این وضعیت در آینده بدست داده شود، بدین منظور اگر ج.ا. ایران بایسته‌های واقعیت منطقه بویژه در اقلیم کردستان عراق را نادیده بگیرد با چه احتمالاتی در این بخش از منطقه روبرو خواهیم بود. در میان آراء و روش‌های مختلف بنظر می‌رسد که مفهوم هژمونی و سلطه بیش از دیگر موارد در حوزه ادبیات سیاسی بتواند بر این مقوله و موضوع بچربد و ما را در پوشش متن یاری دهد. چراکه از این زاویه دیدگاه واقع‌بینانه‌تری نسبت به موضوع به ما شناسانده می‌شود.

چارچوب مفهومی

شاکله تولد مفهوم هژمونی به آنتونیو گرامشی و آراء مارکسیستی مأخذ از نظر او گره خورده است. هژمونی توانایی طبقه مسلط جامعه برای اعمال قدرت است، به دست آوردن موافقت افراد تحت انقیاد، بعنوان جایگزینی برای استفاده از زور و اجبار بکار می‌رود. در واقع دستیابی به موافقت و رضایت جامعه ممکن از طریق نیروی ذهنی است (هیوود(الف)، ۱۳۹۱: ۲۸۰-۲۸۱). گرامشی و آلتوسر دوام دولت سرمایه‌داری یا به ۳۱ اصطلاح طبقه مسلط را از طریق توانایی آن در به رضایت درآوردن از جانب اعضای جامعه و تهدید اولیه توسل به زور تبیین کرده‌اند (راش، ۱۳۸۹: ۴۳). زمانی که مارکس در ایدئولوژی آلمانی نوشت: "در هر دوره، اندیشه‌های طبق حاکم، اندیشه‌های حاکم‌اند"، این نو مارکسیستی مثل گرامشی بود که؛ به هژمونی و برتری یا سلطه اندیشه‌های بورژوازی در همه حوزه‌های زندگی و در این راستا تأکید کرد. بر همین اساس بورژوازی در ساختن مشروعیت موفق‌تر عمل کرده است (هیوود(الف)، پیشین: ۱۳۲-۱۳۱). بنابراین در یک فرایند، قدرت فقط قانون خشک و خشن و با اعمال فیزیکی نیست، بلکه حاکمیت زبان، اخلاق، فرهنگ و شعور عمومی و عقل سلیم است (وینسنت، ۱۳۹۲: ۱۹)، که از آن می‌توان به هژمونی یاد کرد یعنی چیزی که از راه ترویج و اشاعه ارزش‌ها و باورها در سراسر جامعه عمل می‌کند. هژمونی ساحتی سیاسی و اقتصادی نیز دارد و می‌توان با افزایش پرداخت یا از راه اصلاحات سیاسی یا اجتماعی در میزان رضایت آن دست برد. بطورکلی هژمونی جایگزینی اعمال زور است (هیوود(ب)، ۱۳۹۲: ۹۴). هژمونی مورد استفاده واقع‌گرایان، نو واقع‌گرایان و دیگر تحلیلگران و نظریه‌پردازان می‌باشد. هرکدام از منظرهای مختلف این مفهوم را پرورش و یا مورد استفاده قرار داده‌اند. اما در مجموع میان هژمونی با سلطه و زور تفاوت کیفی وجود دارد، در هژمونی نوعی از رضایت نسبی یا خواهان بودن وجود دارد که به قدرت نرم متمایل است، اما در سلطه این رضایت وجود ندارد.

لذا واحدها و دولت‌های سیاسی مزبور معمولاً در این راستا شکننده عمل می‌کنند و بر قدرت سخت و ابزارهای مثل آن متکی‌اند.

رابطه تاریخی کردستان عراق و ج.ا. ایران؛ میانه چالش و همسویی

۱- موقعیت اقلیم کردستان

کردستان ناحیه‌ای سوق‌الجیشی دارد. که بخش‌هایی از ترکیه، عراق، ایران و سوریه را در بر گرفته است و در بخش‌هایی از ترکمنستان، ارمنستان و آذربایجان تعداد قابل‌توجهی از کردها نیز ساکن هستند (بروین و مارتین، ۱۳۷۸: ۲۱). در این میان کردستان عراق به دلایل زیر از موقعیت استراتژیک بالایی برخوردار است؛ الف) محل تلاقی چندسازه سیاسی چون ایران، عراق، ترکیه و سوریه است، ب) میان چند تمدن کهن ایرانی، تورانی (ترکی) و عربی (سامی) واقع شده است، ج) به لحاظ هیدروپولتیک هارتلند خاورمیانه است، د) از نظر منابع طبیعی، دارای خاکی حاصلخیز، آب، نفت، گاز و مواد معدنی فراوان است (قربانی، ۱۳۹۱: ۵۹-۶۰). از این‌رو اهمیت نوع رابطه ایران با کردستان عراق به بررسی‌های شفاف‌تری نیاز دارد.

رابطه ایران و همسایگان‌اش از جمله با کردستان عراق از سال ۱۹۷۹ همواره پرتنش و دستخوش نوسانات بوده است. بر همین اساس سیاست و تصمیم‌گیری‌های رهبران ایرانی در زمینه سیاست خارجی را می‌توان در سه گروه طبقه‌بندی کرد؛ الف) کسانی که در تلاش برای نفوذ بر سیاست‌ها و رفتارهای سایر دولت‌ها و رهبران‌شان هستند، ب) آنهایی که برای جلوگیری یا مهار مخالفت‌های داخلی در نظر گرفته می‌شوند، ج) آنهایی که برای حفظ نظم و امنیت در کشور لازم تشخیص داده می‌شوند (لطفیان، ۱۳۸۷: ۱۹۹-۱۹۸). هرچند شاید این تقسیم‌بندی چندان گویای انفکاک سیاسی یا طبقه‌بندی شاخص درباره رفتار دولتمردان و دست‌اندرکاران ج.ا. ایران به ویژه با کردستان عراق نباشد، اما بصورت اجمالی می‌توان تشخیص داد که روابط فیما بین بویژه ج.ا. ایران در چهارچوب کدام یک از این موارد جای می‌گیرد. با بررسی توصیفی-تاریخی این روابط، می‌توان به این نکته پی برد که ترکیبی از موارد فوق می‌تواند توضیح دهنده این روابط باشد. مهمترین مسائلی که حداقل از نظر دولتمردان ایران در ارتباط با کردستان عراق توأماً وجود داشته است؛ عبارتند از: اقدامات گروه‌های مخالف ایران در آن مناطق، بی‌ثباتی کردستان عراق و تأثیرات آن بر ایران، حضور و نفوذ فزاینده قدرت‌های غربی و منطقه‌ای در آنجا (شیرازی و طارمی، ۱۳۸۴: ۲۵۹).

در مقابل، اقلیم کردستان عراق نیز علیرغم اهمیت ژئوپلیتیکی که دارد، با مسائلی جغرافیایی نیز روبرو است، از جمله؛ به‌رغم دسترسی به منابع آبی فراوان در داخل عملاً محصور در خشکی است. همچنین بین دو کشور منطقه ایران و ترکیه و بر روی یک گسل تمدن پارس، ترک و عرب قرار دارد که قدرت مانور آن را کاهش

داده است. از طرفی استان‌های نفت‌خیز کرکوک، موصل و ... در نزدیکی مرزهای ایران و ترکیه قرار دارد و از نظر ژئوپلیتیک آسیب‌پذیر تلقی می‌شود. همچنین تنوع بالای مذهبی و زبانی در کردستان عراق که گسل‌های عمیق ژئواتیکال و ژئوکالچرال را در منطقه به وجود آورده است نیز باید به این وضعیت افزود (hiro,2004: 170). مجموعه این موارد در مقابل هم، اهمیت متناقضی از سلطه-هژمونی را برای طرفین بویژه ایران همواره نگه داشته است. بنابراین برای پی بردن به همبودی این مسائل در کنار هم نیازمند بررسی بیشتر روابط میان این دو واحد سیاسی خواهیم بود.

۲- رابطه ایران با اقلیم کردستان

رابطه ایران با کردستان عراق به دوران قبل از انقلاب اسلامی برمی‌گردد که در آن زمان حکومت شاه با بارزانی در مبارزه با حکومت مرکزی بغداد همکاری می‌کرد. پس از شکست قیام بارزانی به ویژه بعد از انعقاد قرارداد الجزایر، بیشتر پیش‌مرگه‌های بارزانی در ایران مستقر شدند. بعد از وقوع انقلاب؛ ج.ا. ایران نیز روابط خود با دو حزب عمده اتحادیه میهنی و پارت دمکرات کردستان را ادامه داد. لذا این روابط وارد مرحله تازه‌ای شد. وقتی چالش‌های چنین پیوندی درباره کردستان ایران موجب ابهام برای ایران از طرف احزاب کردی عراق شد، آنها در اینبار به شفافیت بیشتری پرداختند. از جمله جلال طالبانی در مصاحبه‌ها تأکید داشت: «مسئله کردهای ایران مربوط به ایران و خلق‌های ایران است و ما نمی‌توانیم برای کردهای ایران انقلاب صادر کنیم» (روزنامه اطلاعات، ۱۳۵۷/۱۲/۲۱)، جانشینان مصطفی بارزانی نیز خود را مبرا از مسائل کمک به قیام کردهای ایران می‌دانستند (روزنامه اطلاعات، ۱۳۵۸/۰۷/۲۶). و حتی برای اطمینان نیت بعدها در عملیاتی آنها در راستای سیاست‌های ج.ا. ایران نیروهای احزاب کرد ایرانی را از شهر اشنویه بیرون راندند (کوچرا، ۲۰۰۳: ۳۲۰)؛ و در حرکاتی مشابه جلال طالبانی نیروهای خود را در اختیار امام گذاشت (روزنامه کیهان، ۱۳۵۹/۰۲/۲۳).

بعد از وقوع جنگ ایران و عراق، رابطه ج.ا. ایران و کردهای عراق از قبل فراتر رفت. غالب مناطقی که در جنگ مورد هدف نظامی بود را مناطق کردنشین تشکیل می‌داد و حدود دو هزار کیلومتر در کردستان ایران و بخش اعظمی از آن در کردستان عراق به محل منازعه تبدیل شده بود (Yildiz & Tayasi(b),2007:26)، علاوه بر آن رژیم عراق حملات خود را نه تنها بر علیه پیشمرگه‌ها انجام می‌داد، بلکه غیرنظامیان زیادی را نیز بمباران می‌کرد (Yildiz and Tayasi(a),2004: 28)، همین امر دلایل نزدیکی بیشتر احزاب کردستان عراق را به ایران شدت می‌بخشید. در این میان آنها کمک‌های مستقیمی به ایران برای تصرف شهر حاجی

عمران^۱ در سال ۱۹۸۳ انجام دادند و قبل از آن نیز در عملیات مختلف همکاری‌های گسترده‌ای با ج.ا.ایران داشته بودند. صدام به تلافی این همکاری‌ها هشت هزار کرد بارزانی را انفال کرد (پاور، ۲۰۰۶: ۱۵). نیروهای کرد در عملیات کرکوک نیز با ایران همکاری داشتند و بعد از آن؛ عملیات انفال رژیم عراق علیه کردها شدت بیشتری یافت (علی محمود، ۲۰۰۶: ۵۲)، بعد از عملیات کرکوک غالب احزاب کرد از جمله؛ اتحادیه میهنی کردستان، حزب دمکرات کردستان عراق، حسک (حسکه)، اتحاد اسلامی و ... در قالب ده‌ها عملیات چون؛ فتح، ظفر، نصر، فجر، کربلا، رویداد حلبچه و ... بر علیه عراق جنگیدند (همان، ۱۱۲). منجمله در عملیات فتح ۵، غالب نیروها را پیشمرگه‌ها (حدود ۵ هزار نفر) تشکیل می‌دادند که در آن عملیات بیش از صدوپنجاه پیشمرگه کشته شدند (سنگاوی، ۲۰۰۵: ۲۰۱). در تداوم چنین شرایطی آنها پیمان‌نامه‌های سیاسی و نظامی رسمی با هم امضا کردند (مفتی‌زاده، ۲۰۰۵: ۱۱۱)، در اثر این پیمان‌ها جنگ ایران و عراق شدت بیشتری یافت، چراکه اتحادیه میهنی در اغلب مرزهای ایران و عراق دست بالایی داشت و بر آن مسلط بود. این روابط همچنان با فراز و نشیب‌های زیاد ادامه یافت و بعد از جنگ وارد شرایط تازه‌ای شد.

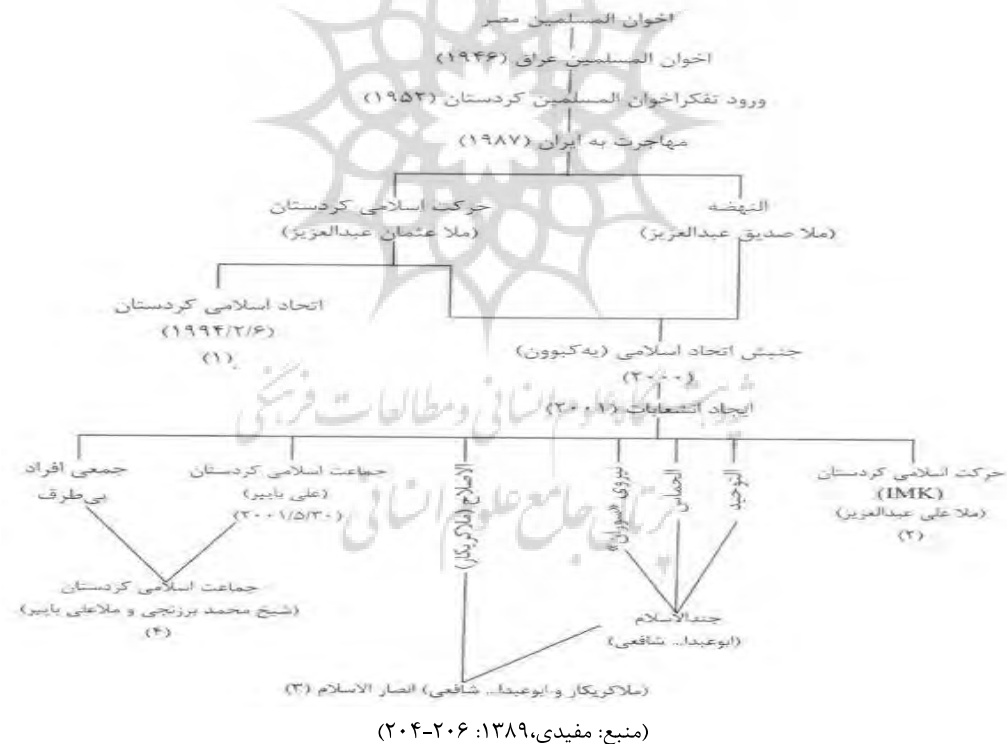
۳- تحولات بعد از سال ۱۹۹۱

سه کشور ایران، ترکیه و سوریه در تمام نشست‌های دوره‌ای سه‌جانبه که در نوامبر ۱۹۹۲ برگزار شد، با انتخابات ماه مه ۱۹۹۲ در کردستان عراق که به یک دولت دوفاکتو در جولای ۱۹۹۲ و اعلام یک دولت فدرال در اکتبر همان سال منجر شد، مخالفت کردند. مسئله کردستان بعنوان مشکل سه کشور تعریف شد. لذا کشورهای مذکور در اجلاس آگوست ۱۹۹۳ روابط خود را در دمشق برای مقابله با این مسأله بهبود بخشیدند (Olson, 1996: 211). اما روابط ج.ا.ایران با همه احزاب و گروه‌های کردستان عراق یکسان نبود، تا توازن یکدستی و قدرت‌یابی‌شان در ناثباتی باقی بماند. این وضعیت، به ویژه پس از تقسیم اداری کردستان عراق به دو بخش تحت حاکمیت اتحادیه میهنی و پارت دمکرات؛ ایران به دلیل داشتن مرز مشترک کامل با اتحادیه میهنی بیشتر با این حزب وارد مناسبات سیاسی و اقتصادی می‌شد. او حین حفظ منافع استراتژیکی‌اش در شمال عراق به کردها خاطر نشان می‌کرد که از چه چیز در آنجا هراس دارد. لذا از یک‌طرف روابط اقتصادی خود را با کردها گسترش می‌داد و از سوی دیگر عملیات اطلاعاتی خود را به اجرا درآورده و به شکلی از شورشیان اسلام‌گرا همچون انصارالاسلام حمایت می‌کرد (عبداله‌پور، ۱۳۸۹: ۷۳). این پارادوکسی به ظاهر شفاف اما پر از مسئله بود، که توان هژمونی ایران را به ویژه پس از جنگ در اقلیم کردستان به صورت جدی کاهش می‌داد.

¹ Haji Omeran

رابطه با احزاب و جریانات اسلامی در کردستان عراق یکی دیگر از گسترده‌های روابط ایران با اقلیم بود، تا از این طریق توان هژمونیک خود را گسترش دهد. اما گروه‌ها و احزاب مذهبی حداقل در روی کاغذ در میان افکار و آراء عمومی هیچگاه توان مقابله با احزاب کلاسیک و اولیه اقلیم کردستان را نداشتند. جریانات مختلف اسلامی در کردستان عراق بر چند دسته کلی‌اند؛ الف) خرده احزاب و گروه‌های اسلامی کوچک همانند تشکیلات اسلامی فیلی، حزب‌الله کردستان عراق، لشکر اسلامی کرد، انجمن مسلمان، جنبش مجاهدین کردستان که غالباً این گروه‌ها از حمایت چندانی در میان مردم برخوردار نبوده‌اند، ب) احزاب عمده شامل؛ حرکت اسلامی (IMK) و انشعابات آن، جماعت اسلامی کردستان، انصار الاسلام و حزب اتحاد اسلامی کردستان (فلاح، ۱۳۹۲: ۱۳۵؛ Gunter, 2009: 7). در مجموع نمودار کلی احزاب اسلامی تأثیرگذار کردستان عراق سیری به شکل زیر را طی کرده است:

نمودار (۱) سیر تاریخی جریان‌های اسلامی اصلی در کردستان و رابطه آن با اخوان المسلمین



غالب جریانات اسلامی کردستان عراق تلفیقی از قومیت و مذهب را پیشگام مانیفستی خود قرار می‌دادند. بنابر دلایل و تحولات منطقه‌ای، بین‌المللی و داخلی بعد از سال ۲۰۰۳ نقش احزاب در سیاست جدی‌تر شد

و احزاب جدید از جمله "گوران" سر بر آوردند. در این راستا ج.ا. ایران تلاش داشت به هر کدام از این جریان‌های نوپا نزدیک شود، تا آنها را با منافع خود همسو کند. لذا سیاست‌های ج.ا. ایران در قبال اقلیم کردستان همچون گذشته تداوم داشت و حتی با شدت بیشتری غیرهژمونیک بود.

رابطه اسرائیل و اقلیم کردستان؛ یک مقایسه اجمالی

نشانه‌های روابط یهودی‌ها با کردهای عراق به دهه ۱۹۳۰ بازمی‌گردد. قبل از تشکیل اسرائیل، تشکیلات یهود در زمینه مهاجرت یهودیان عراق بویژه در کردستان فعالیت می‌کرد. این رابطه در دهه شصت و هفتاد میلادی صورت جدی‌تری بخود گرفت که به وسیله کسانی چون کامران بدرخان و عصمت شریف وانلی آغاز شد. در شورش کردی موسوم به ایلول که از سپتامبر ۱۹۶۱ به مدت چهارده سال ادامه داشت، اسرائیل کمک‌های چندی به شورش کرد و بارزانی نیز این رابطه را وسیله‌ای برای اتصال به امریکا می‌دانست (الخرسان، ۱۳۸۱: ۱۸۳). کردها نیز در مهاجرت دادن باقیمانده یهودیان عراق بویژه در اوایل دهه هشتاد میلادی کمک کردند. روابط یهودی‌ها با کردها و اسرائیل رفته‌رفته وارد مراحل تازه‌تری شد و بعد از سال ۲۰۰۳ عینیت بیشتری یافت. منجمله مسعود بارزانی در سخنانی اعلام کرد: «اگر مذاکرات با اسرائیل برای اعراب حرام محسوب می‌شود اما این حرام بر کردها جاری نمی‌شود. زیرا کردها عرب نیستند» (محمود، ۱۳۷۹). طالبانی نیز رسماً از سرمایه‌گذاران اسرائیلی برای سرمایه‌گذاری در کردستان عراق دعوت به عمل آورد (فوزی محمود، ۱۳۸۶: ۱۶). هم‌اکنون نیز اسرائیل در قالب شرکت‌های تجاری در کردستان عراق به فعالیت مشغول است. در مجموع اشتراکات زیاد میان همبستگی کردها و اسرائیلی‌ها موجب تقویت رابطه شد، از جمله این اشتراکات می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: غیر عرب بودن دوطرف، دشمن مشترک، داشتن روابط تاریخی، اشتراکات کرد و یهودی بنابر ادعای برخی استنادهای علمی (خسروی، ۱۳۸۷). قبل از تشکیل دولت اسرائیل کردهای یهودی در مناطق مختلف کردستان زندگی می‌کردند که غالب این مکان‌ها مربوط کردستان عراق (حدود ۱۴۶ مکان) می‌باشد و طبق برآوردهای مختلف حدود ۲۵ تا سی هزار کرد یهودی در اسرائیل وجود دارد که بعضی آمارها رقم بیشتری بطور نمونه ۱۲۵ هزار کرد را ذکر کرده‌اند (Zaken, 2007)، که البته آمارهای جدید بیش از نیم میلیون را ذکر کرده‌اند (www.awene.com). هرچند کردهای یهودی در دولت اسرائیل جایگاه چندانی ندارند اما این صحنه بازی را همچنان برای روابط فیما بین اقلیم کردستان و اسرائیل باز نگه داشته است. مضافاً اقلیم کردستان اگر نگوییم بهترین بلکه مناسب‌ترین امکان را برای اسرائیل جهت اهداف خود ایجاد می‌کرد. صدام در درگیری با کردها کمتر فرصت می‌یافت تا به فکر حمله به اسرائیل باشد، از طرفی اسرائیل با کردها مرز مشترکی نداشت که دارای تنش‌های احتمالی باشد. در مجموع، اغلب کردها نه عراق عربی و نه متحد را می‌خواهند. بقولی، خواهان صلح عادلانه، بدین معنی که بر سرزمین‌هایشان حکومت کنند، هستند

(گالبرایت، ۱۳۸۲: ۳۳۶). روی هم رفته گرایش متمایل به سکولار در میان کردها، پیشینه رابطه با یهود، دشمنی کردها و عرب‌ها و از همه مهمتر تلاش کردها برای دستیابی به استقلال از مجموعه عواملی هستند که موجبات حضور اسرائیل در منطقه استراتژیک کردستان عراق را فراهم کرده است (اخوان کاظمی و عزیز، ۱۳۹۰: ۱۵۶). اسرائیل ظاهراً اولین خریدار نفت اقلیم کردستان عراق می‌باشد (www.mfa.gov.il). فرایم سنی معاون پیشین وزیر دفاع اسرائیل گفته بود، اسرائیل به شیوه‌های گوناگون از استقلال یافتن کردها حمایت خواهد کرد (نافند، ۲۰۱۱)، همانطور که دیگر مقامات اسرائیل نیز از این بر این وضعیت چشم‌پوشی نکرده‌اند (www.awene.com). در مقابل سیاست ج.ا. ایران در قبال کردستان عراق بر همان شیوه پیشین استوار بوده است و در یک تقابل می‌توان وضعیتی هژمونیک را برای اسرائیل و وضعیتی سلطه‌گونه را برای ایران در افکار عمومی کردی در نظر گرفت. در مجموع می‌توان برآیند کلی سیاست‌های اسرائیل و ج.ا. ایران را در قبال اقلیم کردستان بصورت زیر ترسیم کرد:

جدول (۱) برآورد سیاست‌های ج.ا. ایران و اسرائیل در قبال حکومت کردستان در وضعیتی سلطه هژمونیک

	ایران	اسرائیل
استراتژی	دیدگاه بیشتر امنیتی نسبت به اقلیم کردستان	دیدگاه غیرامنیتی یا کمتر امنیتی
	اهداف کوتاه‌مدت متمایل به ابزارهای جبرآمیز	اهداف بلندمدت و متمایل به هژمونی
	عدم اعتماد کافی طرفین	اعتماد نسبی میان طرفین
	مخالفت صریح با تشکیل دولت مستقل کردی	مساعدت یا سکوت درباره تشکیل دولت کردی
تضادها و اشتراکات	در نظر گرفتن تضادهای سیاسی	در نظر گرفتن اشتراکات سیاسی
	اشتراکات فرهنگی زیاد/ همبستگی کم	اشتراکات فرهنگی کم/ همبستگی رو به افزایش
	دید فرصت- تهدید	دید چندبعدی، سود- فایده
	دید ایدئولوژیک	دید حداقلی ایدئولوژیک

چشم‌انداز روابط؛ از واقعیت تا هژمونی

سیاست زمینه گفتگو است. مقامات کردستان عراق بارها متذکر شده بودند که خواهان روابط سالم با ایران از طریق گفتگوهای سازنده هستند. اما آنها معتقدند واکنش‌های مثبتی دریافت نکرده‌اند. از جمله فاضل میرانی از مقامات حزب دمکرات کردستان می‌گوید: «روابط ما و ج.ا. ایران البته در مقاطع مختلف فرازوفروند داشته است. اما اکنون یعنی از سال ۲۰۱۴ به بعد وضعیت تغییر بیشتری یافته است و ما دارای امکانات بیشتری هستیم. دوستان ایران در عراق قدرت را در دست دارند؛ اینها، سنگرهای مطمئنی برای امنیت به

شمار می‌روند. اما مشکلات ما در مسائل تاکتیکی است نه استراتژیکی. مثلاً کارشکنی بعضی مسئولین دو طرف وجود دارد» (روزنامه ایران، ۱۳۹۲/۱۱/۲۷). ایران تنها کشوری است در منطقه که داری دو سرکنسولگری در شهرهای اربیل و سلیمانیه است. اما روابط همچنان با فرازونشیب همراه بوده است و ایران همواره با بستن مداوم مرزها همچون تهدید تا تثبیت روابط عمل کرده است. اقلیم کردستان از ابعاد مختلف از جمله در رابطه تجاری، جذب و تبادل سرمایه از مهمترین نقاط مختلف منطقه است، اما گزینه تهدید و روابط ناثبات طرفین هزینه‌های سنگینی را از این بعد و دگر جوانب مختلف به بار آورده است. طبیعتاً ایران از این پتانسیل بهره‌چندانی نبرده است. عزت عیسی مدیرکل مالی نخست‌وزیر وقت اقلیم در اینباره می‌گوید: «ما تنها واحد سیاسی هستیم که حق مالکیت برای طرح‌های سرمایه‌گذاری به کشورهای خارجی قائل ایم تا مالکیت پروژه‌ها به نام شخص در اینجا ثبت شود، اما نزدیکان ما در ایران کمتر از این فرصت بهره‌گرفته‌اند». در همین رابطه فاضل میرانی می‌گوید: «ترکیه شرکت‌های خوب و مناسب را برای سرمایه‌گذاری می‌فرستد، در نتیجه کارها با سرعت خوبی پیش می‌رود. اما شرکت‌های ایرانی پروژه‌ها را نیمه‌کاره رها کرده‌اند یا با کیفیت مناسب آن را انجام نداده‌اند» (روزنامه ایران، ۱۳۹۲/۱۱/۲۷). در همین راستا مسئول روابط کنسولگری اقلیم در تهران گفت: «غالب امور تجاری و اقتصادی اقلیم را شرکت‌های خارجی و بخصوص ترکیه انجام می‌دهند. همچنین از بین حدود دو هزار دانشجوی کرد اقلیم کردستان در حال تحصیل در خارج تنها حدود پنجاه نفر در ایران تحصیل می‌کنند» (www.ipsa.ir). فاضل میرانی ایران و کردستان عراق را دارای اشتراکاتی فراتر از اختلافات می‌داند و ایران را در اولویت برای رابطه می‌داند (www.peace-ipsc.org). به هر حال بدون تغییر سیاست‌های مثبت و قبول واقعیت‌ها چشم‌انداز مناسبی عاید منطقه و طرفین نخواهد شد. در صورتی آینده سیاسی منطقه چشم‌انداز مناسبی بدست می‌دهد که در پناه منافع مشترک با اولویت تنش‌زدایی در سیاست همکاری کنند. بنابراین هر نوع برنامه‌ریزی جامع برای تحول منطقه‌ای باید براساس تفاهم، رایزنی، مشورت و آگاه‌سازی مردمان منطقه طرح‌ریزی شود (مقصودی، ۱۳۸۷). از این رو باید واقعیت‌های تاریخی و مسائل و رویدادهای سیاسی خصوصاً درباره اقلیم کردستان را چندبعدی دید. بدین معنی که قدرت‌های بزرگ نیز اهمیت اساسی در تصمیم‌گیری منطقه خواهند داشت. بقول رابرت اولسن ممکن است انگلیسی‌ها بنوعی دچار عقده گناه تاریخی در مورد کردها شوند (اولسن(الف)، ۱۳۷۷: ۲۰۵) و در پی جبران برآیند. هرچند این سخن جدی اولسن اکنون شبیه طنز می‌نماید، اما واقعیت‌های تأثیرگذاری قدرت‌ها در خاورمیانه بیش از پیش پابرجا خواهد بود. ملا مصطفی بارزانی در آخرین جملات و اظهاراتش و در لحظه مرگ بنا بر گفته کسینجر تمام امیدش را به آمریکا بست (رندل، ۱۳۸۳: ۱۲۵)، لذا همواره زمینه‌های تغییر جغرافیایی منطقه بنا بر دیرینه تاریخی روابط کردها با غرب وجود خواهد داشت. در واقع اینبار درجائیکه ایران می‌بایستی جلوتر و گسترده‌تر از همه حضور می‌داشت، عقب‌تر از همه است. عوفره بینجو محقق اسرائیلی

معتقد است که اکنون این وضعیت می‌تواند محور ترکیه-اسرائیل-کرد را به قوی‌ترین محور منطقه تبدیل کند (www.awene.com)، در مجموع تحولات بین‌المللی چه در سطح ساختاری و چه در سطح کارگزاری همواره فرصت‌ها و محدودیت‌هایی را برای واحدهای سیاسی از ایران خلق می‌کند. اما میزان موفقیت سیاست خارجی ایران استفاده بهینه از فرصت‌ها و غلبه بر چالش‌ها دارد (دهقانی فیروزآبادی (ب)، ۱۳۹۲: ۱۲۳). شاید بتوان ادعا کرد که سیاست خارجی ج. ا. ایران در بهینه‌ترین حالت به حوادث و امور بین‌الملل بصورت مطلوب عکس‌العمل نشان نداده است. لذا درجه انفعال سیاست خارجی اغلب بگونه‌ای بوده است که به جای فرصت-سازی، فرصت‌سوزی و تهدیدسازی کرده است (دهقانی فیروزآبادی (الف)، ۱۳۸۱: ۱-۴۰). از این‌رو چشم‌انداز مناسب بدون تصور و قبول واقعیت‌ها، راهبرد قدرت‌های بزرگ، منافع واحدهای سیاسی، ژئوپولیتیک جدید منطقه و امثالهم ممکن نیست. در یک جمع‌بندی کلی می‌توان مقایسه اجمالی از روابط سیاسی سلطه‌آمیز و هژمونیک را بصورت زیر (نمودار ۲) نشان داد. بدین مضمون که در سلطه؛ روابط همواره مخاطره‌آمیز، تنش‌زا، نامطمئن، لرزان و همراه با بحران‌های احتمالی است. در صورت موفقیت احتمالی یکی از طرفین نیز این رابطه مشروط، ناپایدار و کاذب است. در مقابل در وضعیت هژمونیک؛ استحکام روابط رو به افزایش، طولانی‌مدت، هزینه برای بهبود و رفاه اجتماعی است تا نظامی و موجب کاهش مخاطراتی چون جنگ خواهد شد. در صورت بروز مشکلات احتمالی نیز در روابط معمولاً باب گفتگو و حل مسالمت‌آمیز مسائل باز است و ۳۹ معمولاً وضعیت بزودی به وضعیت عادی باز می‌گردد.

نمودار ۲) وضعیت روابط سلطه-هژمونی در یک مقایسه اجمالی



نتیجه‌گیری

ایران از زمان سلطنت پهلوی و نیز ج. ا. ایران روابط دیرینه‌ای با کردهای عراق داشته‌اند، این روابط همیشه و در چند مرحله مهم دارای فرازونشیب و شکاف‌های متعدد بوده است. از جمله از این موارد مهم می‌توان به؛ پیمان الجزایر، وقوع انقلاب ایران، خودمختاری کردهای عراق و ایجاد خط حائل در شمال عراق در سال ۱۹۹۱، حمله آمریکا به عراق در سال ۲۰۰۳ و فراندوم استقلال کردستان اشاره کرد. در سیاست اگر از نگاه آرنتی و هابرماسی بیشتر به ابعاد و قضایای مسائل در دریای سیاست بنگریم متوجه ابعاد اخلاقی و واقع‌بینانه سیاست خواهیم شد که باب آن بر گفتگو و کنش استوار است. اما آنچه در شکاف و روابط مذکور میان کردستان عراق و دولت‌ها یا حکومت‌های ایران از جمله با ج. ا. ایران وجود داشته است، همواره این بوده است که باب تهدید بر فرصت چربیده است و انتظار چندانی در باب گشودگی سیاست و سیاست به‌مثابه گفتگو به منصفه ظهور نرسیده است. در چنین شرایطی ناکارآمدی و ناپایداری سیاست تقدم می‌یابد، لذا بنابر وضعیت ایدئولوژیکی حاکم بر آن چشم‌انداز مناسب و هژمونیک در روابط را بدست نمی‌دهد. لذا گزینه‌های انتخاب براساس سلطه و مقیاس‌های همخوان آن دنبال خواهد شد. در سلطه جا و فضایی برای گفتگو و انتظارات امیدوار کننده وجود نخواهد داشت و یا به حداقل خواهد رسید. بنابر شرایط منطقه و افکار عمومی کردی؛ مقیاس دخالت‌های غیرسازنده دیگر کشورها از جمله اسرائیل، ترکیه و ... به نسبت ایران در اقلیم کردستان کمتر مشهود بوده است. روابط سیاسی اگر بر اهداف چندبعدی و متمایل به وضعیت هژمونیک نباشد و بطور کلی گفتمان مرتبط با آن با زاویه‌های تهدید همراه باشد، معمولاً شکننده، هراس‌افکن، پرهزینه و ناکارآمد خواهد بود. بنظر ج. ا. ایران نتوانسته است در قبال اقلیم کردستان از این رابطه هژمونیک که پتانسیل‌ها و امکانات بیشتری را نسبت به کشورهای دیگر درباره آن داشته است، استفاده کند. با توجه به ویژگی‌های گفتمان ج. ا. ایران در منطقه و جهان این نوع از رابطه متمایل به سلطه تنها در قبال اقلیم کردستان نیست، لذا جبهه‌های مخالفت‌آمیز در تخصم با این گفتمان همواره وجود خواهد داشت. اما آنچه حائز اهمیت است ایران می‌تواند در اقلیم کردستان این فرصت را بدست آورد تا حلقه و محدوده این گستره رابطه سیاسی بهتر و کارآمدتر شود. بطور کلی ایران با تناقض میان سلطه و هژمونی در اقلیم کردستان حضور دارد. این وضعیت پارادوکسیکال تا زمانی که به آن چهره مثبت ژانوسی در سیاست تبدیل نیابد، همچنان محوری بی‌انتهای و نامطمئن خواهد بود. بقول اکشات اگرچه این دریای سیاست بی‌انتهای و بی‌کران است، اما می‌توان کشتی را در آن با اطمینان بیشتری هدایت کرد و هر موقعیتی دشمنانه و نامطمئن را به موقعیتی دوستانه و اطمینان‌بخش تبدیل کرد.

فهرست منابع

فارسی:

- ۱- اخوان کاظمی، مسعود و عزیزی، پروانه (۱۳۹۰)، «کردستان عراق، هارتلند ژئوپلیتیکی اسرائیل»، **فصلنامه راهبرد**، ش ۶۰.
- ۲- اولسن(الف)، رابرت (۱۳۷۷)، **قیام شیخ سعید پیران: کردستان ۱۹۲۵**، مترجم: ابراهیم یونسی، تهران: انتشارات نگاه.
- ۳- اولسن(ب)، رابرت (۱۳۸۰)، **مسئله کرد و روابط ایران و ترکیه**، مترجم: ابراهیم یونسی، تهران: نشر تهران.
- ۴- پاور، سمنسا (۲۰۰۶)، **آمریکا و انفال**، مترجم: بختیار کریم (منبع به زبان کوردی).
- ۵- حق پناه، جعفر (۱۳۸۷)، **کردها و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران**، تهران: انتشارات موسسه ابرار معاصر.
- ۶- الخراسان، صالح (۱۳۸۱)، «حزب دمکرات کردستان عراق»، مترجم: سمیر شوهانی، **فصلنامه رافه**، ش ۳.
- ۷- خسروی، علیرضا (۱۳۸۷)، «افزایش حضور اسرائیل در کردستان عراق: استراتژی گسترش و نفوذ»، **فصلنامه راهبرد**، ش ۴۸.
- ۸- دهقانی فیروزآبادی(الف)، سیدجلال (۱۳۸۱)، **سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران**، چ ۵، تهران: انتشارات سمت.
- ۹- دهقانی فیروزآبادی(ب)، سیدجلال (۱۳۹۲)، «سیاست خارجی ایران: فرصت‌ها و بازتاب‌ها»، **فصلنامه مطالعات خاورمیانه**، س ۹ ش ۳.
- ۱۰- راش، مایکل (۱۳۸۹)، **جامعه و سیاست: مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی سیاسی**، مترجم: منوچهر صبوری، چ ۹، تهران: نشر سمت.
- ۱۱- رندل، جانانان (۱۳۸۳)، **با این رسوایی چه بخشایشی**، مترجم: ابراهیم یونسی، تهران، نشر پانید.
- ۱۲- سنگاوی، محمود (۲۰۰۵)، **خاطرات سنگاوی**، چ ۲، عراق: انتشارات سلیمانیه.
- ۱۳- شیرازی، ابوالحسن (۱۳۸۴)، **نقش گروه‌های معارض در روابط ایران و عراق**، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- ۱۴- عبدالله‌پور، محمدرضا (۱۳۸۹)، «تحولات سیاسی کردستان عراق ۲۰۰۳-۱۹۹۱: از سرکوب تا حکومت دفاکتو»، **فصلنامه روژف**.
- ۱۵- علی، محمود، محمد (۲۰۰۶)، **چند سند نهان از تاریخ ژنوساید**، بغداد: انتشارات کرکوک.
- ۱۶- فلاح، رحمت‌اله (۱۳۹۲)، «گونه‌شناسی جریان‌های اسلام‌گرا در اقلیم کردستان عراق»، **فصلنامه پانزده خرداد**، ش ۳۵.
- ۱۷- فوزی محمود، رائد (۱۳۸۶)، **نداءالقدس**، س ۸، ش ۹۸.

- ۱۸- قربانی، ارسلان (۱۳۹۱)، «بررسی راهبردی سیاست خارجی آمریکا در کردستان عراق و امنیت ملی ج. ا. ایران»، **فصلنامه راهبرد**، ش ۶۲.
- ۱۹- کوچرا، کریس (۲۰۰۳)، **چالش جنبش ملت کرد یا رویای استقلال**، مترجم: عزیز ماملی، چ ۲، بغداد: انتشارات سلیمانیه.
- ۲۰- گالبرایت، پیتر (۱۳۸۲)، «کردها و عراق پس از صدام»، **فصلنامه راهبرد**، ش ۲۷.
- ۲۱- لطفیان، سعیده (۱۳۸۷)، «ایران و خاورمیانه: انتخاب‌های دشوار و موضوعیت واقع‌گرایی»، **فصلنامه سیاست**، ش ۳.
- ۲۲- محمود، فایق (۱۳۷۹)، «چالش میان کردهای عراق»، **فصلنامه نهضت**، س ۱، ش ۱.
- ۲۳- مفتی‌زاده، سیامند (۲۰۰۵)، **ژنوساید در عراق و هجوم انفال**، بغداد: انتشارات سلیمانیه.
- ۲۴- مفیدی، صباح (۱۳۸۹)، «فرایند شکل‌گیری و تحولات درونی جنبش اسلامی کردستان عراق»، **فصلنامه روزف**، ش ۱۴-۱۶.
- ۲۵- مقصودی، مجتبی (۱۳۸۷)، «ناهمگونی قومی، رهیافت‌هایی چند درباره همسازی سیاسی-اجتماعی»، **فصلنامه مطالعات ملی**، ش ۱.
- ۲۶- برویین، وان و مارتین، سن (۱۳۷۸)، **جامعه‌شناسی مردم کرد (آغا، شیخ و دولت)**، مترجم: ابراهیم یونسی، تهران: انتشارات پانید. ۴۲
- ۲۷- وینسنت، اندرو (۱۳۹۲)، **ایدئولوژی‌های مدرن سیاسی**، مترجم: مرتضی ثاقب‌فر، چ ۳، تهران، نشر ققنوس.
- ۲۸- هیوود(الف)، اندرو (۱۳۹۱)، **مفاهیم کلیدی در علم سیاست**، مترجم: حسن سعیدکلاهی و کاردان، تهران: نشر علمی و فرهنگی.
- ۲۹- هیوود(ب)، اندرو (۱۳۹۲)، **سیاست**، مترجم: عبدالرحمن عالم، چ ۳، تهران، نشر نی.
- ۳۰- نافند، مولود (۲۰۱۱)، «ترکیه در خاورمیانه: تحلیلی بر رابطه پنهان ترکیه و اسرائیل»، www.penusakan.com

لاتین:

- 1- Gunter, Mond (2009). The A to Z of the kurds. *UK Scarecrow Press*. Inc.
- 2- Hiro, Dior (2004). Dictionary of the Middle east.
- 3- Olson, Rizan (1996). The Kurdish Nationalist in the 1990. *USA: The university Press of Kentucky*.
- 4- Yildiz, Kid and Tayasi, Trur(a) (2004). The Kurds in Iraq: The past, present and future. *London, Pluto Press*.
- 5- Yildiz, Kid and Tayasi, Trur(b) (2007). The Kurds in Iran: The past, present and future. *London, Pluto Press*.
- 6- Zaken, Milan (2007). Jewish subjects and their tribal chieftains in Kurdistan. *Leiden. Boston*

7- www.peace-ipsc.org

8- www.awene.com

9- www.ipso.ir

10- www.mfa.gov.il

سایت، روزنامه و نشریات

۱- روزنامه اطلاعات: (۱۳۵۸/۰۷/۲۶، ۱۳۵۷/۱۲/۲۱).

۲- روزنامه ایران: (۱۳۹۲/۱۱/۲۷).



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی